

# کتاب دانیال - شماره نود

رمزگشایی از «دیلی»: بررسی تاریخی مناقشات و تناقضها

Jeff Pippenger

2024-02-23

اگر با دقت به بند آخر مقاله قبلی نگاه کرده باشید، به منبع اصلی آن بند که در کتاب Early Writings آمده است نیز نگاه کرده‌اید؛ منبعی که ای. جی. دانیلز ادعا می‌کند در مصاحبه سال ۱۹۱۰ خود با خواهر وایت درباره موضوع «daily» با خود برده بود. کسانی که می‌کوشیدند «دروغ» این که «daily» نمایانگر خدمت قدسگاه مسیح است را تثبیت کنند، ناچار بودند تأیید مستقیم و روشن خواهر وایت از دیدگاه درست ارائه‌شده به کسانی که فریاد ساعت دآوری را سر دادند، تضعیف کنند. «دروغی» که اختراع کردند این بود که تنها هشدار که خواهر وایت به طور مشخص درباره اش سخن می‌گفت، هشدار تعیین زمان بود. آرتور وایت می‌کوشد همین را در زندگینامه اش تثبیت کند، و پدرش—یعنی پسر ال وایت—و دانیلز نیز می‌کوشیدند با آن مصاحبه ساختگی آن را ثابت کنند.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، هیچ سابقه‌ای از مصاحبه‌ای میان خواهر وایت و دانیلز درباره «روزانه» وجود ندارد. مصاحبه ادعایی در سال 1931 مطرح شد. اگر خواهر وایت در مصاحبه‌ای در سال 1910 دیدگاه منحرف دانیلز درباره «روزانه» را تأیید کرده بود، چرا او که به گفته خواهر وایت در ترویج دیدگاهش سخت کوشا بود، تأیید او را برای بیست و یک سال مسکوت می‌گذاشت؟ آن مصاحبه نبود؛ یک امر ساختگی بود.

جعل آن مصاحبه می‌کوشید زمینه اظهار او درباره «daily» را چنان جلوه دهد که گویی چیزی حاشیه‌ای در کنار هشدارش علیه تعیین زمان است، و آرتور وایت با شیوه‌ای که آن را در تاریخ ۱۹۳۱ عرضه کرد، رد پای خود را در آن دروغ بر جای گذاشت. به عنوان یک مسیحی، او باید صرفاً تاریخ را گزارش می‌کرد و تحریف تاریخ را از معادله کنار می‌گذاشت. ما مقاله قبلی را با بخشی از سال ۱۸۵۰ به پایان رساندیم؛ همان بخشی که متن موجود در کتاب Early Writings از آن برگرفته شده است. آن بیان نخستین بار در ۱۸۵۰ در نشریه Review ظاهر شد، و سپس بار دیگر در کتاب Experience and Views بار سوم در کتاب Early Writings پدیدار می‌شود، اما در روند راه‌یافتنش به کتاب Early Writings برخی تغییرات رخ داد. با این حال، ما نمی‌گوییم که بسیاری از نوشته‌های روح نبوت دستخوش تغییر شده‌اند، چنان‌که برخی برای بی‌اعتبار کردن کار او ادعا می‌کنند.

خداوند به من نشان داد که نمودار ۱۸۴۳ به دست او هدایت شده بود و هیچ بخشی از آن نباید تغییر یابد؛ اعداد همان‌گونه بودند که او می‌خواست. دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از اعداد پنهان کرده بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دستش برداشته شد.

«سپس دیدم که در ارتباط با «دائمی»، واژه «قربانی» به واسطه خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت دآوری را سر دادند. زمانی که اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه درباره دیدگاه درست «دائمی» هم‌نظر بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» ریویو و هرالده، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.

این بخش در اصل در نشریه‌ای به نام The Present Truth در سال 1849 منتشر شده بود، اما در نوامبر 1850 در Review and Herald به چاپ رسید. در دست‌نویس اصلی، خواهر وایت صراحتاً بیان

می‌کند که دارد چندین مطلب را می‌نویسد که خداوند به‌تازگی به او نشان داده بود، و وقتی کل مقاله را می‌خوانید، خواهید دید که موضوعات بسیاری مطرح شده‌اند. حدود بیست موضوع مختلف به او نشان داده شده بود. نکته این است که در مقاله اصلی، موضوع «daily» و موضوع «تعیین وقت» دو مکاشفه متفاوت از اموری بودند که به او نشان داده شده بود.

در نسخه خطی اصلی، آن‌ها در پاراگراف‌های جداگانه‌ای آمده بودند. وقتی این بخش در Experience and Views and چاپ شد، ویراستاران پاراگرافی را که در آن خواهر وایت دیدگاه پیشگامان درباره «daily» را تأیید می‌کند با پاراگراف بعدی که نسبت به تعیین زمان هشدار می‌دهد، ترکیب کردند. هنگام مطالعه متن اصلی توجه داشته باشید که بر برخی موضوعات از طریق حروف بزرگ‌نویسی تأکید شده است. در پاراگرافی که در آن او دیدگاه پیشگامان درباره «daily» را تأیید می‌کند، واژه Daily را با حرف اول بزرگ می‌نویسد، و در پاراگراف بعدی واژه Time را با حرف اول بزرگ می‌نویسد؛ بدین‌سان تمایزی مستقیم میان آن دو موضوعی که به او نشان داده شده بود برقرار می‌کند.

برادران و خواهران عزیز،

می‌خواهم شرحی کوتاه از آنچه خداوند اخیراً در رؤیا به من نشان داده است، به شما بدهم. به من زیبایی عیسی و محبتی که فرشتگان نسبت به یکدیگر دارند نشان داده شد. فرشته گفت: آیا نمی‌توانید محبتشان را ببینید؟ از آن پیروی کنید. قوم خدا نیز باید به همین‌سان یکدیگر را دوست بدارند. بهتر آن است که نکوهش بر خودت فرود آید، نه بر برادرت. دیدم که پیام «هر چه دارید بفروشید و صدقه بدهید» از سوی برخی در پرتو روشن آن ابلاغ نشده بود؛ و اینکه مقصود حقیقی سخنان نجات‌دهنده‌مان به روشنی بیان نشده بود. دیدم که مقصود از فروش این نبود که به کسانی داده شود که قادرند کار کنند و خود را اداره کنند؛ بلکه برای گسترش حقیقت بود. گناه است که کسانی را که قادر به کار کردن‌اند در بیکاری حمایت و نازپروری کنیم. برخی با غیرت در همه جلسات حاضر شده‌اند؛ نه برای تمجید خدا، بلکه برای «نان و ماهی‌ها». برای چنین کسانی بسیار بهتر آن بود که در خانه می‌مانند و با دست‌های خود به انجام «آنچه نیکوست» می‌پرداختند تا نیازهای خانواده‌هایشان را برآورند و چیزی نیز داشته باشند تا برای حمایت از امر گران‌بهای حقیقت حاضر بدهند.

برخی را دیدم که در دعا کردن برای شفا یافتن بیماران در حضور بی‌ایمانان دچار خطا شده بودند. اگر در میان ما کسی بیمار باشد و مطابق یعقوب ۵:۱۴، ۱۵ مشایخ کلیسا را فراخواند تا برای او دعا کنند، باید از الگوی عیسی پیروی کنیم. او بی‌ایمانان را از اتاق بیرون کرد و سپس بیمار را شفا داد؛ پس هنگامی که برای بیماران در میان خود دعا می‌کنیم، باید بکوشیم از بی‌ایمانی کسانی که ایمان ندارند جدا باشیم.

سپس به زمانی یادآوری شدم که عیسی شاگردانش را تنها با خود به بالاخانه‌ای برد؛ نخست پاهایشان را شست و سپس نان شکسته را برای خوردن به آنان داد تا نماز بدن شکسته‌اش باشد، و آب انگور را برای نوشیدن داد تا نماز خون ریخته‌اش باشد. دیدم که همه باید با فهم و آگاهی رفتار کنند و در این امور از الگوی عیسی پیروی کنند، و هنگام اجرای این آیین‌ها تا حد امکان از بی‌ایمانان جدا باشند.

سپس به من نشان داده شد که هفت بلای آخر پس از آن که عیسی قدس‌خانه را ترک کند، ریخته خواهند شد. فرشته گفت: این خشم خدا و بره است که سبب نابودی یا مرگ شریران می‌شود. به صدای خدا، مقدسان نیرومند و هولناک همچون لشکری با پرچم‌ها خواهند بود؛ اما در آن زمان حکم نوشته‌شده را اجرا نخواهند کرد. اجرای حکم در پایان هزار سال خواهد بود.

پس از آنکه مقدسان به جاودانگی دگرگون شوند و همگی با هم ربوده شوند و چنگ‌ها، تاج‌ها و جز این‌ها را دریافت کنند و وارد شهر مقدس شوند، عیسی و مقدسان بر مسند داوری می‌نشینند. کتاب‌ها گشوده می‌شود: کتاب حیات و کتاب مرگ؛ کتاب حیات شامل اعمال نیکوی مقدسان است و کتاب مرگ شامل اعمال شریرانه شریران. این کتاب‌ها با کتاب قوانین، یعنی کتاب مقدس، سنجیده می‌شوند و بر همان اساس داوری می‌شوند. مقدسان در هماهنگی با عیسی حکم خود را بر مردگان شریب صادر می‌کنند. «بنگرید!» فرشته گفت: «مقدسان در یگانگی با عیسی بر مسند داوری نشسته‌اند و به هر یک از شریران، بر حسب کارهایی که در بدن کرده‌اند، نصیب را می‌سنجند، و در برابر نامشان ثبت می‌شود که در هنگام اجرای داوری چه باید دریافت کنند.» دیدم که این، کار مقدسان با عیسی در شهر مقدس، در طول هزار سال، پیش از آنکه بر زمین فرود آید، همین بود. سپس در پایان هزار سال، عیسی و فرشتگان و همه مقدسان همراه او شهر مقدس را ترک می‌کنند، و هنگامی که او با ایشان به سوی زمین فرود می‌آید، مردگان شریب برانگیخته می‌شوند، و آنگاه همان کسانی که «او را نیزه زدند»، چون برخیزند، او را از دور در تمام جلالش، با فرشتگان و مقدسان همراهش، خواهند دید و به خاطر او خواهند نالید. ایشان اثر میخ‌ها را در دستانش و در پاهایش، و جای فروبردن نیزه در پهلویش را خواهند دید. آنگاه اثر میخ‌ها و نیزه، جلال او خواهد بود. در پایان همان هزار سال است که عیسی بر کوه زیتون می‌ایستد و کوه از هم می‌شکافد و به دشتی عظیم بدل می‌شود، و آنان که در آن هنگام می‌گریزند، شریرانی هستند که تازه برخاسته‌اند. سپس شهر مقدس فرود می‌آید و بر آن دشت مستقر می‌شود.

آنگاه شیطان شریرانی را که از مردگان برخاسته‌اند با روح خود می‌آکند. آنان را می‌فریبد و به ایشان می‌قبولاند که سپاه در شهر اندک است و سپاه او بزرگ، و اینکه می‌توانند بر مقدسان غلبه کنند و شهر را بگیرند. هنگامی که شیطان سپاه خود را گرد می‌آورد، مقدسان در شهر بودند و جمال و جلال فردوس خدا را می‌نگریستند. عیسی پیشاپیش آنان بود و ایشان را رهبری می‌کرد. ناگهان نجات‌دهنده محبوب از جمع ما غایب شد؛ اما دیری نگذشت که آوای دلنشینش را شنیدیم که می‌گفت: «بیایید، ای برکت‌یافتگان پدر من، وارث ملکوت شوید که از بنیاد جهان برای شما آماده شده است.» گرد عیسی جمع شدیم، و درست همان‌دم که او دروازه‌های شهر را بست، لعنت بر شریران اعلام شد. دروازه‌ها بسته شدند. آنگاه مقدسان بال‌های خود را به کار گرفتند و بر فراز دیوار شهر اوج گرفتند. عیسی نیز با آنان بود؛ تاجش درخشان و پر جلال می‌نمود. تاجی در تاج، هفت‌گانه بود. تاج‌های مقدسان از ناب‌ترین طلا بود، آراسته به ستارگان. چهره‌هایشان از جلال می‌درخشید، زیرا به صورت کامل عیسی بودند؛ و چون برخاستند و همگی با هم به سوی فراز شهر حرکت کردند، از آن منظره به وجد آمدم.

آنگاه بدکاران دیدند آنچه را از دست داده بودند؛ و آتشی از سوی خدا بر آنان دمیده شد و ایشان را نابود کرد. این، اجرای حکم داوری بود. سپس بدکاران مطابق آنچه قدیسان در هماهنگی با عیسی در طول هزار سال برایشان مقرر کرده بودند، جزای خود را دریافتند. همان آتش از سوی خدا که بدکاران را نابود کرد، سراسر زمین را نیز پاک ساخت. کوه‌های شکسته و ناهموار در گرمای سوزان گداخته شدند؛ جو نیز، و همه خاشاک، سوختند و نابود شدند. آنگاه میراث ما در برابرمان گشوده شد، باشکوه و زیبا، و ما سراسر زمین نو شده را به ارث بردیم. همه با صدای بلند فریاد زدیم: جلال، هلولویا.

همچنین دیدم که شبانان باید با کسانی که دلیلی برای اعتماد به آنان دارند، یعنی کسانی که در همه پیام‌ها حاضر بوده‌اند و در تمام حقیقت حاضر استوارند، مشورت کنند، پیش از آنکه از هر نکته تازه و مهمی که ممکن است گمان کنند کتاب مقدس از آن حمایت می‌کند، جانبداری نمایند. آنگاه شبانان کاملاً متحد خواهند شد و کلیسا آن وحدت شبانان را احساس خواهد کرد. چنین روشی، چنان که دیدم، از تفرقه‌های ناگوار پیشگیری می‌کند و آنگاه دیگر بیمی از دوپاره شدن گله گران‌بها و پراکنده‌گشتن گوسفندان، بی‌شبان، نخواهد بود.

بیست و سوم سپتامبر، خداوند به من نشان داد که برای بار دوم دست خود را دراز کرده است تا بازماندگان قوم خویش را بازآورد، و اینکه در این زمان گردآوری باید کوشش‌ها را دوچندان کرد. در زمان پراکندگی، اسرائیل ضربه خورد و پاره‌پاره شد؛ اما اکنون در زمان گردآوری، خدا قوم خود را شفا خواهد داد و زخم‌هایشان را خواهد بست. در دوران پراکندگی، کوشش‌هایی که برای گسترش حقیقت می‌شد اثر چندانی نداشت و کم یا هیچ ثمری به بار می‌آورد؛ اما در دوران گردآوری، هنگامی که خدا دست به جمع کردن قوم خود زده است، تلاش‌ها برای انتشار حقیقت به مقصود خود خواهد رسید. همه باید در این کار یکدل و با شور و جدیت باشند. دیدم که مایه شرم است اگر کسی برای نمونه‌هایی که اکنون در دوران گردآوری باید راه ما را تعیین کند به دوران پراکندگی رجوع کند؛ زیرا اگر خدا اکنون برای ما بیش از آنچه آن زمان کرد انجام ندهد، اسرائیل هرگز گردآوری نخواهد شد. انتشار حقیقت در یک نشریه همان قدر ضروری است که موعظه کردن آن.

خداوند به من نشان داد که نمودار ۱۸۴۳ به دست او هدایت شده بود و هیچ بخشی از آن نباید تغییر یابد؛ اعداد همان‌گونه بودند که او می‌خواست. دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از اعداد پنهان کرده بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دستش برداشته شد.

سپس در ارتباط با «روزانه» دیدم که واژه «قربانی» به وسیله خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت دآوری را سر دادند. آن‌گاه که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر سر دیدگاه درست درباره «روزانه» متحد بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی به دنبال آن آمده است.

خداوند به من نشان داد که زمان از سال ۱۸۴۴ به این سو آزمون نبوده است و این‌که زمان دیگر هرگز آزمونی نخواهد بود.

«سپس به من نشان داده شد که برخی در خطایی بزرگ‌اند، یعنی اینکه قدیسان باید پیش از آمدن خداوند هنوز به اورشلیم قدیم و غیره بروند. چنین دیدگاهی به‌گونه‌ای است که ذهن و علاقه را از کار کنونی خدا، در چارچوب پیام فرشته سوم، منحرف می‌کند؛ زیرا اگر بنا باشد به اورشلیم برویم، ذهن‌های ما به‌طور طبیعی همان‌جا خواهد بود و منابع ما از کاربردهای دیگر بازداشته می‌شوند تا قدیسان را به اورشلیم برسانیم. دیدم که دلیل اینکه واگذاشته شدند تا در این خطای بزرگ فرو روند، این است که خطاهای خود را که در چندین سال گذشته در آنها بوده‌اند، اعتراف نکرده و ترک نکرده‌اند.» Review and Herald, 1 November 1850.

این قطعه با این جمله آغاز می‌شود: «می‌خواهم طرحی کوتاه از آنچه خداوند اخیراً در رؤیا به من نشان داده است به شما ارائه کنم.» چند موضوع مطرح شد، و او بند مربوط به «daily» daily را با بند بعدی ترکیب نکرد. این کار بعداً توسط ویراستاران انجام شد که این قطعه را در Experience and Views گنجانند و پس از آن نیز در Early Writings قرار دادند. در Experience and Views، ویراستاران هشت بند نخست را حذف کردند و بندهایی را که به آنچه درباره «daily» daily و تعیین زمان به او نشان داده شده بود می‌پرداختند، با یکدیگر ادغام کردند. Experience and Views در سال ۱۸۵۱ منتشر شد و سپس Early Writings در سال ۱۸۸۲ منتشر شد.

نوشته‌های نخستین اساساً همان چهار بندی را داشت که پیش‌تر در «تجربه و دیدگاه‌ها» آمده بود، اما با یک استثنای مهم. در «تجربه و دیدگاه‌ها»، بند تک‌جمله‌ای مربوط به تعیین زمان با بند قبلی که به «روزانه» می‌پرداخت ترکیب شده بود. سپس بندی که در اصل پس از بند مربوط به تعیین زمان می‌آمد نیز گنجانده شده بود. در «نوشته‌های نخستین»، بندی که از بخشی دیگر «تجربه و دیدگاه‌ها» آمده بود، میان بندی که اکنون هم به «روزانه» و هم به تعیین زمان می‌پردازد و بندی که در اصل پس

از آن می‌آمد و توضیح می‌داد چرا رفتن به زیارت اورشلیم قدیم نادرست بود قرار داده شد. بندی که از صفحه‌ای دیگر از «تجربه و دیدگاه‌ها» حذف شد و سپس در بخشی از «نوشته‌های آغازین» گنجانده شد، فقط بر سردرگمی درباره «daily» «daily» که از سال ۱۸۴۴ آغاز شده بود، افزود. آن بند در روایت اصلی خواهر وایت از رؤیای خود وجود نداشت.

خداوند به من نشان داده است که پیام فرشته سوم باید منتشر شود و به فرزندان پراکنده خداوند اعلام گردد، و نباید آن را به زمان گره زد؛ زیرا زمان دیگر هرگز آزمونی نخواهد بود. دیدم که برخی از موعظه درباره زمان دچار هیجان کاذب می‌شوند؛ و اینکه پیام فرشته سوم از مسئله زمان نیرومندتر است. دیدم که این پیام می‌تواند بر بنیان خود بایستد و برای تقویت خود به زمان نیاز ندارد، و با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت و کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت کوتاه و به انجام خواهد رسید. تجربه‌ها و دیدگاه‌ها، ص ۴۸.

بند صفحهٔ چهل و هشت Experience and Views، پس از بندی در Early Writings که با ترکیب دو بند متفاوت ساخته شده بود، درج شد و بر تعیین زمان تأکیدی نهاد که در روایت اصلی وجود نداشت.

در سال ۱۹۳۱، مردان کهنسالی که بر مردم اورشلیم حکومت می‌کردند داستانی ساختند که مدعی بود دنیلز در سال ۱۹۱۰ با خواهر وایت مصاحبه کرده است، و در شهادتی که دنیلز ارائه داد، به نمودار اشاره کرده است. گفته می‌شود کتاب «نوشته‌های اولیه» همراهش بود، و وقتی از او درباره منظورش پرسید، بر اساس پاسخ‌هایش فقط توانست به این نتیجه برسد که عبارت تأییدکننده دیدگاه پیشگامان درباره «daily» «daily» در «نوشته‌های اولیه»، در واقع هشدار علیه تعیین زمان بود. بیست و یک سال پس از آن مصاحبه ساختگی و شانزده سال پس از مرگ کسانی که ظاهراً با آنان مصاحبه شده بود، دنیلز آن شهادت را در تاریخ نسل سوم جای داد.

اف. سی. گیلبرت پژوهشگر زبان عبری بود و صرفاً به این دلیل که پیشگامان و الن وایت چنین گفته بودند، از دیدگاه درست «روزانه» به عنوان بت‌پرستی حمایت نکرد. او با اتکا به درکی از متن عبری که دانیال نبی به کار برده بود، از آن دفاع کرد. او در آن دوره برجسته‌ترین پژوهشگر ادونتیسست در زمینه زبان عبری بود. با گسترش مناقشه درباره «روزانه» که دنیلز و پرسکات آن را پیش می‌بردند، گیلبرت از جمله دانشمندان برجسته‌ای بود که در دفاع از موضع پیشگامان ایستاد. او در ۸ ژوئن ۱۹۱۰ با الن وایت گفت‌وگویی داشت و بعداً آنچه را که او و خواهر وایت درباره‌اش گفت‌وگو کردند، ثبت کرد. اظهارات دنیلز کاملاً با اظهارات اف. سی. گیلبرت در تضاد است.

در جلد بیستم «انتشار دست‌نوشته‌ها»، صفحات هفده تا بیست و دو، خواهر وایت به موضع دنیلز و پرسکات درباره «روزانه» پرداخته است. عباراتی که در گزارش اف. سی. گیلبرت از گفت‌وگویش با الن وایت می‌یابید، تقریباً عین همان چیزی است که خود خواهر وایت در آن بخش از «انتشار دست‌نوشته‌ها» بیان کرده است. بنابراین، تا سال‌ها پیش از آن که «انتشار دست‌نوشته‌ها» منتشر و در دسترس قرار گیرد، هیچ شهادت الهام‌شده محکمی برای رد یا تأیید ادعای دنیلز درباره محتوای مصاحبه‌ای که ظاهراً با خواهر وایت داشته بود، وجود نداشت. مهم‌تر از آن، هیچ تأیید الهام‌شده‌ای برای دیدگاه نادرست او درباره «روزانه» وجود نداشت. حتی مهم‌تر از آن، اکنون که «انتشار دست‌نوشته‌ها» در دسترس است—هنوز هم هیچ تأیید الهام‌شده‌ای برای دیدگاه نادرست او درباره «روزانه» وجود ندارد!

و با این حال امروز، در ادونتیسسم لائودکیایی چنین آموزش داده می‌شود که خواهر وایت درباره «دائمی» هیچ موضعی ندارد، جز اینکه این یک «موضوع آزمایشی» نیست و ما باید «در این باره

سکوت کنیم». امروز چیزی وارونه شده است، و آنچه وارونه شده این است که موضع درست «دائمی» اکنون در میان قوم خدا به دیدگاه اقلیت تبدیل شده است. در سال ۱۹۱۰، دیدگاه اقلیت نظر کنرادی بود که دنیلز و پرسکات آن را پیش می‌بردند، و دیدگاه اکثریت، موضع پیشگامان بود.

آنچه در پی می‌آید، اظهارات اف. سی. گیلبرت دربارهٔ مصاحبه‌اش با خواهر وایت است که باید با Manuscript Releases مقایسه شود؛ متن کامل Manuscript Releases در مقاله هشتاد و یکم این مجموعه «کتاب دانیال» قرار داده شده است.

«دنیلز و پرسکات... به برادران مسن‌تر این امر هیچ فرصتی برای گفتن چیزی نمی‌دادند... دنیلز برای دیدنم اینجا بود، و من حاضر نشدم او را ببینم... نخواستم در هیچ موردی چیزی به او بگویم. دربارهٔ «روزانه» ای که می‌کوشند آن را پیش ببرند، هیچ اساس و اعتباری در میان نیست... وقتی در واشینگتن بودم، انگار چیزی ذهن‌هایشان را محصور کرده بود، و نمی‌توانستم بر آنان اثر بگذارم. ما نباید هیچ سر و کاری با این موضوع «روزانه» داشته باشیم... می‌دانستم علیه پیامم کار خواهند کرد، و آن وقت مردم گمان نمی‌کردند پیام من محتوایی دارد. به او نوشته‌ام و گفته‌ام که دارد نشان می‌دهد برای ریاست کنفرانس عمومی شایستگی ندارد... شخص مناسبی برای حفظ ریاست نیست.»

اگر این پیام «روزانه» پیامی آزمایشی بود، خداوند به من نشان می‌داد. این افراد در این قضیه پایان کار را از آغاز نمی‌بینند. ... من قاطعانه از دیدار با هر یک از کسانی که در این کار درگیرند خودداری می‌کنم.

«نوری که از جانب خدا به من داده شد این بود که برادر دنیلز به اندازهٔ کافی در مقام ریاست بوده است... و به من گفته شد که دیگر دربارهٔ هیچ‌یک از این امور با او گفت‌وگو نداشته باشم. من حاضر نشدم دربارهٔ این موضوع دنیلز را ببینم و حتی یک کلمه هم با او سخن بگویم. از من التماس کردند که به او وقت ملاقات بدهم، اما نپذیرفتم... به من گفته شد قوم‌مان را هشدار دهم که با این چیزی که آنان تعلیم می‌دهند هیچ سروکاری نداشته باشند... از سوی خداوند از گوش دادن به آن منع شدم. صراحتاً اظهار کرده‌ام که ذره‌ای به آن اعتماد ندارم... تمام این کاری که می‌کنند دسیسهٔ شیطان است.» گزارش اف. سی. گیلبرت از گفت‌وگویی که الن وایت در ۸ ژوئن ۱۹۱۰ با او انجام داد.

این موضوع را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

کسی که فراتر از ظاهر را می‌بیند، که دل‌های همهٔ آدمیان را می‌خواند، دربارهٔ کسانی که از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: «آنها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیرت‌زده نیستند.» «آری، آنان راه‌های خود را برگزیده‌اند، و نفسشان در پلیدی‌هایشان لذت می‌برد. من نیز گمراهی‌هایشان را برایشان برمی‌گزینم و ترس‌هایشان را بر آنان فرو می‌آورم؛ زیرا چون خواندم، کسی پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در برابر چشمان من بدی کردند و آنچه را که من بدان خشنود نبودم برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومندی خواهد فرستاد تا دروغی را باور کنند»، «زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند»، «بلکه در ناراستی خوشی یافتند.» اشعیا 3:66، 4؛ دوم تسالونیکیان 2:11، 10، 12.

معلم آسمانی پرسید: «کدام گمراهی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در حقیقت بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی پیش می‌برید و در برابر بیهوشی گناه می‌کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی‌ای فریبا که بر اذهان چیره می‌شود، آنگاه که مردمانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ آنگاه که می‌پندارند ثروتمند و در دارایی

فزون شده‌اند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند.»

خدا نسبت به بندگان وفادارش که جامه‌های خود را پاک و بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییر نکرده است. اما بسیاری فریاد می‌زنند: «سلامتی و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر آنان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکه انسان‌ها با اعتراف، دل‌های خود را فروتن سازند و حقیقت را همان‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز وارد آسمان نخواهند شد. هنگامی که پاک‌سازی در صفوف ما صورت گیرد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و به ثروتمندی و فزونی دارایی‌ها فخر نخواهیم کرد، گویی به هیچ چیز نیاز نداریم.

چه کسی می‌تواند به راستی بگوید: «ز ما در آتش آزموده شده است؛ جامه‌های ما از آلودگی دنیا بی‌لکه‌اند؟» من دیدم که آموزگارمان به جامه‌های به اصطلاح پارسایی اشاره می‌کرد. آن پوشش‌ها را از تنشان برکنند و پلیدی نهفته زیرشان را آشکار ساخت. سپس به من گفت: «مگر نمی‌بینی چگونه آلودگی و پوسیدگی خلق و خوی خود را ریاکارانه پوشانده‌اند؟» چگونه شهر وفادار فاحشه شده است! «خانه پدرم به خانه تجارت بدل شده است، جایی که حضور و جلال الهی از آن رخت بریسته است! از این رو ضعف هست و قوتی در میان نیست.»

"اگر کلیسا، که اکنون با خمیرمایه ارتداد خویش سرشته می‌شود، توبه نکند و بازگشت نکند، از میوه اعمال خویش خواهد خورد تا آن‌گاه که از خود بیزار گردد. هنگامی که در برابر بدی مقاومت کند و نیکی را برگزیند، هنگامی که با تمام فروتنی خدا را بجوید و به دعوت والای خود در مسیح برسد، بر بنیاد حقیقت جاودان بایستد و با ایمان به آن دستاوردهایی که برای او مهیا شده دست یابد، شفا خواهد یافت. او در سادگی و پاکی خدادادش ظاهر خواهد شد، جدا از گرفتاری‌های زمینی، و نشان خواهد داد که حقیقت به راستی او را آزاد ساخته است. آنگاه اعضایش به راستی برگزیدگان خدا، نمایندگان او خواهند بود." شهادت، جلد ۸، صفحات ۲۴۹ و ۲۵۰.